

درس چهاردهم: حمله حیدری

آرایه های ادبی :

کنایه:

کمر بستن: آماده شدن / بر کینه کمر بستن: آماده جنگ شدن / نظر گشودن: نگریستن /

سر در گریبان فرو بردن: شرمنده شدن، خجالت کشیدن /

خون ریختن: کشتن

رنگ باختن: ترسیدن / در صلح را بستن: به جنگ ادامه دادن /

دندان به دندان خاییدن: شدت عصبانیت /

شاهد آرزو رخ نمودن: موفق نشدن، به پیروزی نرسیدن /

رخ نمودن: محقق نشدن /

رنگ از رخ پریدن: ترسیدن /

دست بوسیدن: احترام گذاشتن /

علم کردن: بالا بردن

از پا در آوردن: نابود کردن /

سیه روز : بدبخت /

استعاره:

سپهر نبرد: عمرو / آهنین کوه: عمرو / بازوی دین و شیر خدا و شاه دین و شیر اله و شه جنگجو و هژبر ژیان : حضرت علی /

در صلح: اضافه استعاری

استعاره و تشخیص: رنگ باختن، رخ کفر، تپیدن بت خانه ها

تپیده و تدوین:
حکیمه سپهری

جناس: جنگ و رنگ / زمین و زمان / ضرب و حرب / چشم و خشم / رنگ و فرنگ /

تشبیه: رزمگه کوه فولاد گشت / بیفشرد چون کوه پا بر زمین / شاهد آرزو / برافراخت بازو چو شاخ درخت / یم قدرت حق /

مجاز: زمین و زمان: کل موجودات / چشم: نگاه

اغراق: «چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه فولاد گشت» (اغراق در سنگینی و عظمت عمرو)

«ز بس گرد از آن رزمگه بردمید / تن هر دو شد از نظر ناپدید» (اغراق در مقدار گرد و خاک)

«فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ» (عظمت و هیبت جنگ)

مراعات النظیر: میدان، همرزم، جنگ، رزم، زره، جنگجو، تیغ، آوردگاه / شیر و پلنگ و فیل / غضنفر، فیل، پلنگ، نهنگ /

بت خانه، فرنگ، کفر /

تفسیر و تدوین:
حکیمه سپهری

شعر خوانی: وطن

آرایه های ادبی:

استعاره: شیران: دلاوران ایرانی / پیمان بستن با وطن: تشخیص و استعاره / اوج عزت: اضافه
استعاری

تشبیه: خاک تو کیمیاست

مجاز: خاک: سرزمین / چشم: نظر

تضاد: یزدان و اهریمن

کنایه: به باد رفتن: نابود شدن

نقشه و تدوین:
مکتب سیمری